



ذکر فضائل امیر المؤمنین از طرف عمرو عاص

به معاویه گفتند: که عمرو عاص با هوش‌ترین عرب است...

به معاویه گفتند: که عمرو عاص با هوش‌ترین عرب است و اگر می‌خواهی به حکومت‌برسی و قتال تو با علی بن ابی طالب سر و صورتی گیرد از عمرو عاص بی‌نیاز نخواهی بود، بنابر این معاویه نامه‌ای به عمرو عاص نوشت و او را به یاری خود برای پیکار با امیر المؤمنین دعوت کرد، عمرو عاص در جواب او نوشت:

اما بعد فانی قرأت کتابک و فهمته. فاما ما دعوتنی الیه من خلع ربقة الاسلام من عنقی و التهنون معک فی الضلالة و اعانتی ایاک علی الباطل و اختراط السیف فی وجه امیر المؤمنین علی بن ابیطالب فهو اخو رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و ولیه و وصیه و وارثه و قاضی دینه و منجز وعده و صهره علی ابنته سیده نساء العالمین و ابو السبطين الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة.

و اما قولك انك خليفة عثمان فقد عزلت بموته و زالت خلافتك و اما قولك ان امیر المؤمنین اشلی الصحابة علی قتل عثمان فهو كذب و زور و غواية. ويحك يا معاوية اما علمت ان ابا الحسن بذل نفسه لله تعالى و بات علی فراش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، و قال فيه: من كنت مولاه فعلى مولاه؟ فكتابك لا یخضع ذا عقل و لا ذا دین، و السلام.

«اما بعد من نامه تو را خواندم و از مضمون آن آگاهی یافتم. اما آنچه مرا بدان دعوت کردی از انداختن ذمه اسلام را از گردن خودم، و با تو به ضلالت و پستی ملحق شدن و یاری نمودن تو را بر باطل و شمشیر کشیدن در روی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب، پس او برادر رسول خدا و ولی او و وصی او و وارث او و ادا کننده دین او و وفا کننده وعده او و داماد و شوهر دختر او سیده زنان عالمیان، و پدر دو سبط او حسن و حسین دو سید جوانان اهل بهشت است.

و اما اینکه گفتی که: من خلیفه عثمانم، به مرگ عثمان از حکومت معزول شدی و دیگر تو را در شام خلافتی نیست. و اما اینکه گفتی: امیر المؤمنین صحابه رسول خدا را بر کشتن عثمان برانگیخت، این گفتاری است دروغ و باطل و برای اغواء نمودن مردم جاهل دستاویز نموده‌ای.

وای بر تو ای معاویه آیا نمی‌دانی که حضرت ابو الحسن جان خود را در راه خدا بذل نمود و شب در بستر رسول خدا خوابید و تا به صبح در آنجا بیتوته نمود و رسول خدا درباره او گفت: «کسی که من ولی و صاحب اختیار او هستم علی ولی و صاحب اختیار اوست؟! این نامه‌ای که تو نوشته‌ای صاحب عقل و دین را نمی‌تواند بفریبد، و السلام». چون نامه عمرو عاص به معاویه رسید، عتبه بن ابی سفیان به او گفت که: مایوس نباش و او را به حکومت و ولایت وعده بده و در سلطنت شریک گردان. لذا در نامه دیگری که به او نوشت و منشور حکومت مصر را ضمیمه نمود، چون عمرو عاص خود را حاکم مصر دید قلبش به معاویه گرائید و برای کارزار با علی بن ابی طالب به شام کوچ کرد.

منابع :

1) «تذکره» سبط ابن جوزی ص 49-50

2) «امام شناسی» علامه سید محمد حسین حسینی طهرانی (کتاب مذکور در این سایت موجود است)